



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



چرا ماهیت رژیم [سیاسی] نمی تواند قانون [ممنوعیت] توسل به زور در [حقوق بین الملل] را
تغییر دهد؟

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قراردادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قراردادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرساخت‌های مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوق‌دانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دوپهلوی و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوق‌دانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب

دانست که اولاً بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره ذیربط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.

گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

مقاله ای که در گزارش حاضر معرفی شده از سوی یکی از حقوقدانان دارای اصلیت ایرانی ولی عضو هیئت علمی دانشگاهی در انگلیس تقریر یافته است تلاش کرده که ضمن ارائه تصویری منفی از داخل ایران، مروری بر موازین بین المللی توسل به زور داشته و اثبات کند که حتی در بدترین توصیف و تحلیل از وضعیت داخلی ایران نیز نمی توان از منظر حقوق بین الملل توجیهی حقوقی برای توسل به زور علیه ایران یافت فلذا اقدام آمریکا و اسرائیل خلاف و نقض موازین بین المللی است.

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده از جمله مولف مقاله حاضر، دیدگاههای شخصی خود اوست و ترجمه و انتشار دیدگاهها به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان سیاستگذاران کشور با اشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحرک عالمانه تری از خود نشان دهند. با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت [] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاههای حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

خرداد ۱۴۰۵

♦ نویسنده: دکتر سعید باقری؛ استادیار حقوق بین الملل در دانشکده حقوق دانشگاه ریدینگ، انگلیس و با تمرکز بر پژوهش‌های حوزه حقوق توسل به زور و حقوق بین الملل بشردوستانه

♦ مجری برگردان انگلیسی به فارسی: علی تقی نوه سی، دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشردانشگاه شهید بهشتی تهران و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

♦ ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، خرداد ۱۴۰۵

♦ مآخذ: سامانه مجله حقوقی بین المللی دیجیتال اوپینو جوریس (Opinio Juris.Org)، ۱۴ آوریل ۲۰۲۶

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۱۰

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش‌ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

چرا ماهیت رژیم [سیاسی] نمی تواند قانون [ممنوعیت] توسل به زور در [حقوق بین الملل] را تغییر دهد؟

نوشته دکتر سعید باقری استادیار حقوق بین الملل در دانشکده حقوق دانشگاه ریدینگ ، انگلیس و با تمرکز بر پژوهش های حوزه حقوق توسل به زور و حقوق بین الملل بشردوستانه (۱۴ آوریل ۲۰۲۶ برابر با ۲۵ فروردین ۱۴۰۴ شمسی)

متن نوشتار:

یک فرد ایرانی [وقتی] در خیابان های تهران قدم می زند، زندگی اش بر اساس محاسباتی دقیق شکل گرفته است. کلمات پیش از بیان، [از سوی گوینده] با دقت سنجیده می شوند. نظرات به دقت واری می گردند، حرکات بدن کنترل شده و سکوت ها تعمدی و حساب شده حفظ می شوند. این رویکرد محتاطانه [سبک زندگی] به مرور زمان به یک عادت تبدیل می شود، راهبردی برای تحرک در سیستمی که مرزهای ابراز وجود در آن نه تنها ناپایدار بلکه نامشخص نیز هست. برای بسیاری، این واقعیت زندگی تحت حکومتی است که آزادی های بنیادین را محدود می کند.^۱

با این حال، امروز لایه دیگری از عدم قطعیت^۲ ایجاد شده است. در کنار سرکوب داخلی، واقعیت نیروی نظامی غیرقانونی خارجی به طور فزاینده ای برجسته شده است. در بحث های عمومی مربوط به استفاده زور علیه ایران، یک الگوی استدلال نگران کننده، گاهی آشکارا و گاهی به طور نامحسوس، مطرح شده است که نشان می دهد که

۱. نویسنده در آغاز نوشته خود تصویری به شدت سنگین از جامعه ایران ارائه کرده که معلوم نیست با چه انگیزه ای مطرح شده است ؟ آیا واقعا چنین ذهنیتی از جامعه ایران دارد یا سعی کرده باگفتامانی صحبت کند که در محافل جریان اصلی در غرب مورد استقبال قرار گیرد. به هر حال این نوع توصیفات برای کسانی که با جامعه ایران از نزدیک آشنا باشند براحتی مورد قضاوت و داوری قرار می گیرد. نویسنده برای تأیید این اظهارنظر خود به سامانه شورای حقوق بشر سازمان ملل استناد کرده که برابر قطعنامه ژانویه ۲۰۲۶ مدت فعالیت سازوکار هیئت حقیقت یاب و گزارشگر ویژه شورا در مورد ایران تمدید شد. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

۲. Uncertainty

ماهیت رژیم ایران می تواند اهمیت مرز های قانونی و اخلاقی در مورد [کاربرد] زور با هدف مشروعیت زدایی از رژیم مذهبی که آرزوی دستیابی به سلاح هسته ای را دارد،^۴ کاهش دهد.

عنصری از این استدلال در انتقادات گسترده تر از محدودیت های قانونی در استفاده از زور مشهود است، از جمله [از سوی] افراد مرتبط با دولت ترامپ،^۵ جایی که حقوق بین الملل در برخورد با رژیم های متخاصم یا سرکوبگر، به عنوان بخشی از سیاست ملی کشور مهاجم، بیش از حد محدود کننده تلقی می شود، [و در حالی که] هیچ مدرکی^۶ دال بر حمله مسلحانه یا قریب الوقوع بودن چنین حمله ای از سوی ایران وجود نداشت.

این نوشتار منتشره، ادعایی روشن و محدود را مطرح می کند مبنی بر اینکه طبق حقوق بین الملل حاکم بر استفاده از زور (مجموعه موازین و حقوق توسل به جنگ^۷، ماهیت درونی یک رژیم، هر چقدر هم سرکوبگر باشد، محدودیت های قانونی در مورد استفاده از زور علیه آن را کاهش نمی دهد، تغییر نمی دهد یا به هیچ وجه تحت تأثیر قرار نمی دهد.

نکته مهم این است که این محدودیت ها به همان اندازه که برای تنظیم [عملکرد و روابط] دولت ها عمل می کنند، برای محافظت از جمعیت های [انسانی] نیز عمل می کنند و نمی توان آنها را بر اساس ماهیت یک رژیم بدون تضعیف این اصل که غیرنظامیان هدف مشروع زور نیستند و مسئولیتی در قبال تصمیمات اتخاذ شده توسط مقامات دولتی ندارند، کاهش داد.

سرکوب داخلی و اهمیت حقوقی آن

^۴. علیرغم اعلام مکرر ایران مبنی بر عدم داشتن برنامه ای برای دستیابی به سلاح هسته ای و تأیید این امر توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی و حتی نهادهای اطلاعاتی دولت های متخاصم ایران چون مراکز اطلاعاتی آمریکا، نویسنده همان ادعای کاذبی که توسط محافل ضد ایران از جمله صهیونیست ها با اهداف سیاسی و امنیتی مطرح میشود را تکرار کرده است. (توضیح افزوده شده بر متن)

^۵ <https://www.bbc.co.uk/news/articles/cx2dyz6p3weo>

^۶ <https://www.chathamhouse.org/2026/03/iran-attacks-president-trump-making-use-force-new-normal-and-casting-aside-international>

^۷ <https://www.chathamhouse.org/2026/03/iran-attacks-president-trump-making-use-force-new-normal-and-casting-aside-international>

^۸ <https://www.reuters.com/world/us/pentagon-tells-congress-no-sign-that-iran-was-going-attack-us-first-sources-say-۲۰۲۶-۰۳-۰۲/>

^۹. Jus ad bellum

نقطه شروع، وضعیت داخلی دولت است. حقوق بین‌الملل حقوق بشر (IHRL) چارچوبی را ایجاد می‌کند که تحت آن افراد حق دارند از حمایت‌های اساسی برخوردار شوند، از جمله آزادی بیان و تجمع، و محافظت در برابر بازداشت خودسرانه. اسنادی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۰} و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)^{۱۱} این تضمین‌ها را به عنوان تعهدات قانونی جهانی بیان می‌کنند. شواهد قابل توجه و گزارش‌های مداومی وجود دارد که نشان می‌دهد در ایران، این حمایت‌ها به طور قابل توجهی محدود هستند. پیامدهای چنین محدودیت‌هایی فراتر از مرزهای نهادی است؛ آنها با تأثیرگذاری بر ارتباطات، تعامل اجتماعی و روابط با مقامات، بر زندگی روزمره [افراد] تأثیر می‌گذارند. نکته قابل توجه این است که آنها همچنین بر توانایی افراد برای مشارکت دموکراتیک در فرآیندهای سیاسی و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولتی در امور داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارند. جایی که مشارکت سیاسی محدود است و مخالفت با آن خطرناک است، ارتباط بین مردم و سیاست‌های دولت تضعیف می‌شود. تصمیمات مربوط به سیاست خارجی، مثلاً حمایت از گروه‌های مسلح غیردولتی در منطقه^{۱۲}، در میان مجموعه‌ای نسبتاً محدود از بازیگران متمرکز است. برای شهروندان عادی، توانایی شکل‌دهی یا به چالش کشیدن چنین تصمیماتی، حداقل است.^{۱۳}

این واقعیت در ارزیابی استدلال‌هایی که با به تصویر کشیدن ایران به عنوان «ملت ترور و نفرت»^{۱۴} به طور ضمنی مسئولیت اقدامات دولت ایران را به مردم این کشور نسبت می‌دهند، اهمیت دارد. در زمینه‌های سرکوب داخلی،

^{۱۰}<https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>

^{۱۱} <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

^{۱۲}<https://www.cfr.org/articles/irans-regional-armed-network>

^{۱۳} فارغ از هر گونه نقد و نظر به وضعیت سیاست داخلی در ایران، این توصیف نویسنده عمدتاً بازتاب همان گزاره‌ای است که همواره جریان سلطه جهانی ترویج می‌دهد به این صورت که اگر هر دولت یا جامعه‌ای از جنبش‌های آزادیبخش حمایت کند، مورد سرزنش قرار می‌گیرد و ادعا می‌شود که دولت حامی بدون حمایت مردم خود چنین حمایتی را معمول می‌دارد فلذا خلاف است اما خودشان در حمایت از جنایتکاران مرتکب نسل‌کشی یا رژیم‌های دیکتاتوری و پادشاهی که تحت الحمایه هستند حق دارند انواع حمایت‌ها را معمول دارند تا سرکوب جنبش‌های آزادیبخش و جریان‌های مقاومت در مقابل ظلم و سيطرة آنها ادامه یابد و امری طبیعی تلقی گردد ولو در این روند، میلیون‌ها نفر از مردم جامعه خودشان مخالف باشند. به عنوان مثال، مردم دنیا در دو ساله اخیر به عینه دیدند که دولت آمریکا یا برخی از دول اروپایی با مردم معترض به نسل‌کشی در غزه و حامی جریان‌های مقاومت چگونه برخورد کردند به گونه‌ای که دهها استاد دانشگاه یا دانشجو را حاضر شدند از مراکز علمی اخراج نمایند یا تظاهرات‌های مختلف را سرکوب نمایند و علیه برخی دستگیر شدگان، اتهامات سنگینی چون حمایت از تروریسم را مطرح سازند و اجازه ندهند به هیچ قیمتی سیاست سيطرة گری جهانی و حمایت از هم‌پیمانان جنایتکارشان در سیاست داخلی و خارجی کشورشان تغییر یابد. (توضیح افزوده شده بر متن)

^{۱۴}<https://www.france24.com/en/live-news/20260312-trump-says-iran-war-moving-very-rapidly>

چنین توصیفاتی نه تنها از نظر اخلاقی مشکل ساز هستند، بلکه از نظر تحلیلی نیز ناقص هستند، زیرا سطحی از عاملیت و کنترل را در میان غیرنظامیان فرض می کنند که اغلب در عمل وجود ندارد.

مروری بر ممنوعیت توسل به زور

حقوق مدرن حاکم بر استفاده از زور در ماده ۲ (بند ۴)^۴ منشور سازمان ملل متحد ریشه دارد که ممنوعیت کلی تهدید یا استفاده از زور در روابط بین الملل را تعیین می کند. این ممنوعیت به طور گسترده به عنوان سنگ بنای نظم حقوقی بین المللی در نظر گرفته می شود و نشان دهنده تلاشی آگاهانه برای دور شدن از سیستمی است که در آن جنگ به عنوان ابزاری مشروع برای سیاست دولت تلقی می شد. منشور سازمان ملل متحد تنها استثنائات محدودی برای این ممنوعیت در نظر گرفته است. طبق ماده ۵۱^۵ [منشور] کشورها حق ذاتی دفاع از خود را در پاسخ به حمله مسلحانه حفظ می کنند. علاوه بر این، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند استفاده از زور را برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی مجاز بداند. خارج از این چارچوب ها، استفاده از زور قاعداً غیرقانونی است و در شدیدترین اشکال خود، می تواند یک عمل تجاوزکارانه^۶ محسوب شود. دو ویژگی ساختاری این چارچوب، بسیار مهم هستند: اولاً دولت محور است. قانونی بودن استفاده از زور در رابطه با رفتار دولت ها ارزیابی می شود - اینکه آیا حمله مسلحانه رخ داده یا قریب الوقوع است، آیا الزامات دفاع از خود برآورده شده است، و آیا مجوز شورای امنیت وجود دارد یا خیر. این چارچوب با ارجاع به ارزش اخلاقی ادراک شده ی جمعیت ها یا ویژگی سیاسی داخلی دولت ها عمل نمی کند. دوم، رسماً نسبت به نوع رژیم بی تفاوت است. منشور در تعیین مشروعیت زور، بین کشورهای دموکراتیک و اقتدارگرا^۷ تمایزی قائل نمی شود. نظام سیاسی یک کشور هر چه باشد، به طور یکسان

نویسنده نسبت دهی منفی مطرح شده از سوی ترامپ جنایتکار علیه ملت ایران را بازگو کرده است بی آنکه صراحتاً موضع بگیرد که وی حرف کاملاً بی بنیان و مزخرفی که شایسته خود وی و باند جنایتکارش است را مطرح نموده است. نویسنده به طور ضمنی تلاش کرده که سخن گوینده را تلطیف کند به این صورت که اگر هم این توصیف کاربرد داشته باشد مسئولیت آن متوجه دولت ایران است و نه ملت ایران. (توضیح افزوده شده بر متن)

^۴<https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text>

^۵<https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text>

^۶<https://legal.un.org/avl/ha/da/da.html>

^۷ <https://www.pbs.org/newshour/politics/fact-checking-statements-made-by-trump-to-justify-u-s-strikes-on-iran>

تحت حمایت ممنوعیت مندرج در ماده ۲ (بند ۴) قرار دارد و به همان اندازه ملزم به رعایت آن است. قابل ذکر است که این ویژگی ها اتفاقی نیستند. بلکه جدایی ناپذیر از ثبات و قابل پیش بینی بودن نظم حقوقی است. معرفی درجه بندی ها بر اساس ویژگی رژیم، ساختار ممنوعیت را اساساً تغییر می دهد و در نتیجه، تفسیرهای ذهنی و بالقوه فرصت طلبانه را به خطر می اندازد.

ماهیت رژیم به عنوان یک توجیه نادرست [برای نقض قاعده منع توسل به زور]

با توجه به این پیشینه است که استدلال های معاصر باید ارزیابی شوند. این ادعا که ماهیت سرکوبگرانه یک رژیم می تواند استفاده از زور علیه آن را توجیه، تبرئه یا قابل قبول تر کند، به شکل صریح [در هیچ بنیان] حقوقی مطرح نشده است. اغلب، این امر به طور ضمنی نمود می یابد از طریق لفاظی هایی که تمایز بین دولت و جامعه را از بین می برد، یا اینکه کل جمعیت را در رفتار دولت هایشان دخیل می داند.^۸ در قوی ترین حالت، این خط استدلال به این ادعا نزدیک می شود که زور علیه یک دولت سرکوبگر، حداقل چه از نظر حقوقی و چه از نظر اخلاقی، کمتر از زور علیه سایر دولت ها مشکل ساز است. در ضعیف ترین حالت، این امر به صورت کاهش حساسیت به ممنوعیت حقوقی [کاربرد زور] و آمادگی برای انعطاف پذیرتر دانستن محدودیت های ماده ۲ (بند ۴) [منشور] در برخی زمینه های ژئوپلیتیکی آشکار می شود. هر دو نسخه مشکل ساز هستند. از منظر دکترین، چارچوب منشور سازمان ملل متحد چنین تمایزاتی را نمی پذیرد. مشروعیت زور را نمی توان با ارجاع به حاکمیت داخلی و بدون فاصله گرفتن از متن و ساختار خود منشور، مجدداً ارزیابی کرد. پذیرش خلاف این، به معنای بازگرداندن نوعی حاکمیت مشروط خواهد بود که در آن، حمایت از ممنوعیت به ترتیبات سیاسی داخلی دولت مربوطه بستگی دارد. از منظر سیستمی، چنین استدلالی خطر عادی سازی تفاسیر گسترده [و غیر منضبط] از منشور سازمان ملل و استناد گزینشی به استثنائات را به همراه دارد. هنگامی که این ممنوعیت به عنوان امری مشروط به ماهیت رژیم تلقی شود، در برابر تفسیر

دولت های ذینفع در حفظ هژمونی موجود در سطح جهانی معمولاً خود و همراهانشان را کشورهای دموکراتیک معرفی و بقیه کشورهای جهان را اقتدارگرا یا عقب مانده توصیف می کنند و بعد از این توصیف نژاد پرستانه، خود را به عنوان منجی مردم دیگر کشورها معرفی می نمایند تا به تعبیر حقوقدانان بین المللی انتقادی، همان روند استعمارگری سنتی را با شکل مدرن تامین و غارت منابع و ظرفیت های دیگر کشورها را ادامه دهند. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

^۸<https://www.france24.com/en/live-news/20260312-trump-says-iran-war-moving-very-rapidly>

راهبردی آسیب‌پذیر می‌شود. دولت‌ها ممکن است دشمنان [خویش] را به گونه‌ای توصیف نمایند که خروج از قاعده [در عملکرد خود] را توجیه و در نتیجه، قدرت کلی قاعده [منع زور] را تضعیف کنند.

مسئولیت، عاملیت و جایگاه غیرنظامیان

یک جنبه اساسی ممنوعیت استفاده از زور مربوط به تخصیص مسئولیت است. این [مهم مسئولیت] بازیگران حقوقی مربوطه در درجه اول، دولت‌ها را تعیین می‌کند و عواقب تصمیمات آنها برای توسل به نیروی نظامی را تعیین می‌کند. این تخصیص [مسئولیت] برای حفظ تمایز بین تصمیم‌گیرندگان و کسانی که تحت تأثیر پیامدهای آن قرار می‌گیرند، بسیار مهم است. استدلال‌هایی که برای توجیه یا تخفیف ارزیابی قانونی توسل به زور، به ماهیت سرکوبگرانه‌ی یک رژیم متکی هستند، این تمایز را مبهم [و مغشوش] می‌کنند. این استدلال‌ها با اشاره به ماهیت دولت به شیوه‌هایی که جمعیت [غیر نظامی] را درگیر می‌کند، توجه را از تصمیم‌گیرندگان منحرف کرده و در عوض بر جامعه به طور کلی تمرکز می‌کنند. این تغییر به ویژه در شرایطی که جمعیت [غیر نظامی] ظرفیت محدودی برای تأثیرگذاری بر رفتار دولت دارد،^{۱۹} مشکل‌ساز است. در چنین مواردی، این تصور که غیرنظامیان مسئولیت قابل توجهی در قبال اقدامات خارجی دولت دارند، به سختی قابل تأیید می‌شود. با این وجود، دقیقاً در همین زمینه‌هاست که لفاظی‌های مربوط به دولت‌های متخاصم یا ماهیت رژیم‌ها، به احتمال زیاد جدایی بین حکومت و حکومت‌شونده را مبهم می‌کند. نتیجه، یک لغزش مفهومی است که در آن دولت با جمعیتش یکی گرفته می‌شود و جمعیت نیز به نوبه خود، به طور ضمنی به عنوان یک عامل مرتبط در ارزیابی مجاز بودن استفاده از زور قرار می‌گیرد، اقدامی که منشور سازمان ملل از آن حمایت نمی‌کند [و ممنوع است].

آسیب‌پذیری دوگانه در چارچوب [مجموعه موازین و] حقوق توسل به جنگ

وضعیت غیرنظامیان در ایران نشان‌دهنده یک نگرانی ساختاری گسترده‌تر است که می‌توان آن را به عنوان آسیب‌پذیری دوگانه توصیف کرد. از یک سو، افراد ممکن است با محدودیت‌های داخلی مواجه شوند که حقوق و ظرفیت آنها را برای مشارکت سیاسی محدود می‌کند. این محدودیت‌ها توانایی آنها را برای تأثیرگذاری یا به چالش

^{۱۹}<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1470594X231163880>

کشیدن سیاست‌های دولت، از جمله سیاست‌هایی که ممکن است منجر به رویارویی بین‌المللی شود، کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، همین افراد ممکن است در معرض خطر اعمال زور خارجی قرار گیرند که با ارجاع به رفتار یا شخصیت دولت توجیه می‌شود. در چنین مواردی، همان شرایطی که عاملیت آنها را از درون محدود می‌کند، در ارزیابی‌های خارجی نادیده گرفته می‌شود یا کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود. این آسیب‌پذیری دوگانه، به جای تضعیف، دلیل پابندی کامل به ممنوعیت استفاده از زور را تشدید می‌کند. در جایی که جمعیت‌ها کنترل معناداری بر رفتار دولت ندارند، دلیل قوی‌تری برای اصرار بر این وجود دارد که مسئولیت قانونی همچنان به طور قطعی به بازیگران دولتی وابسته است و محدودیت‌های ماده ۲ (بند ۴) بدون هیچ گونه تضعیفی اعمال می‌شود. استدلال خلاف این، ایجاد یک دگرگون‌پذیری [مفهومی] نادرست است که هر چه جمعیت [غیر نظامی] عاملیت کمتری داشته باشد، بیشتر در معرض عواقب تصمیماتی قرار می‌گیرد که چه در داخل و چه در خارج از مرزهای آن گرفته می‌شود.

بحث حاضر در مورد دفاع از هیچ دولت خاصی نیست. همچنین بحثی در مورد انکار واقعیت سرکوب داخلی نیست. بحث کنونی در مورد حفظ تمامیت یک قاعده حقوقی است که دقیقاً برای محدود کردن توسل به زور در روابط بین‌الملل طراحی شده است. ممنوعیت استفاده از زور یکی از واضح‌ترین نموده‌های این تلاش است. قدرت آن در عمومیت آن و مقاومتش در برابر رقیق‌سازی زمینه‌ای^{۲۰} نهفته است. این امر^{۲۱} صرف نظر از نوع رژیم، جهت‌گیری ژئوپلیتیکی یا مصلحت راهبردی اعمال می‌شود. معرفی ویژگی یک رژیم به عنوان عاملی که این ممنوعیت را کاهش می‌دهد یا تغییر شکل می‌دهد، دور شدن از آن وضوح [قاعده] است. این امر خطر تبدیل حاکمیت قانون به یک استاندارد دگرگون‌پذیر، وابسته به قضاوت سیاسی و مستعد اعمال گزینشی را به همراه دارد. برای غیرنظامیانی که تحت سیستم‌های سرکوبگر زندگی می‌کنند، این تغییر اهمیت ویژه‌ای دارد. آنها از قبل در فاصله‌ای از تصمیماتی قرار دارند که رفتار خارجی دولشان را شکل می‌دهد. اجازه دادن به این تصمیمات یا

^{۲۰}. معلوم نیست تلاش نویسندگان برای اینکه فضای داخلی ایران را کاملاً منفی جلوه دهد آیا مبتنی بر نوع نگاه و باورش است یا سعی داشته بدترین تصویر را از جامعه ایران ارائه کند و در عین حال استدلال کند که حتی اگر چنین توصیفاتی مبنای تحلیل حقوقی قرار بگیرد باز هم نمی‌توان موازین حقوقی بین‌المللی توسل به زور را نادیده گرفت و از این زاویه تجاوز به ایران اقدامی بر خلاف حقوق بین‌الملل است. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

^{۲۱} Contextual dilution

^{۲۲} <https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law:epil/9780199231690/law-9780199231690-e427#:~:text=The%20prohibition%20of%20the%20threat%20or%20use,is%20today%20universally%20accepted%20as%20a%20no>

واکنش‌های خارجی برای از بین بردن محدودیت‌های قانونی استفاده از زور، مردم را در معرض خطراتی قرار می‌دهد که خارج از کنترل آنها است. برای اینکه ممنوعیت استفاده از زور هم از نظر هنجاری و هم از نظر عملی مؤثر باقی بماند، باید طبق اصول اولیه خود به کاربرد خویش ادامه دهد: پاسخگو نگه داشتن دولت‌ها، بی‌تفاوت ماندن نسبت به انواع رژیم‌ها، و مقاومت در برابر تلاش‌ها برای برخورد با برخی از جمعیت‌ها به عنوان جمعیت‌های کمتر محافظت‌شده. تنها با حفظ این ساختار، حقوق بین‌الملل می‌تواند ادعای معتبری برای تنظیم توسل به زور به شیوه‌ای که نه تنها از دولت‌ها، بلکه از افرادی که در [قلمرو] آنها زندگی می‌کنند نیز محافظت کند، داشته باشد.

